

صلاحیت‌های مدیر مالی خبره



حجت‌اله صیدی، دکتری حسابداری، حسابدار خبره، عضو پیشین شورای عالی



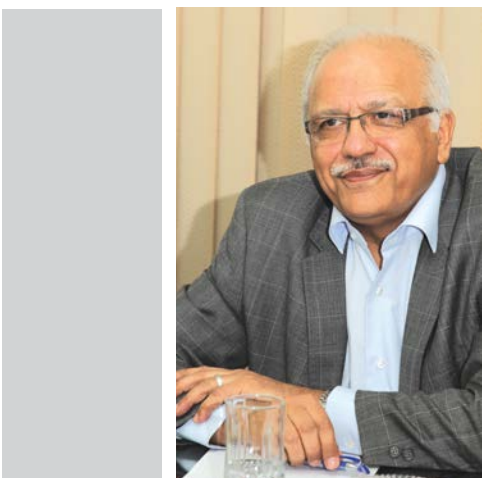
سعید جمشیدی فرد، حسابدار مستقل، حسابدار رسمی، رئیس پیشین شورای عالی



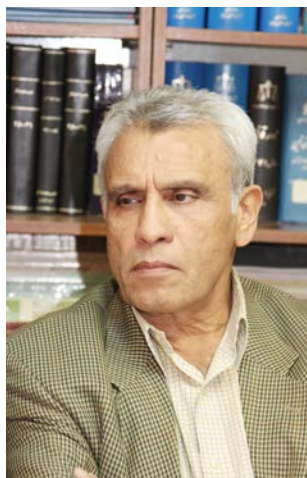
امیر پوریانسب، دکتری حسابداری، حسابدار خبره، سردبیر مجله حسابدار، عضو پیشین شورای عالی



جواد بستانیان، دکتری حسابداری، حسابدار مستقل، حسابدار رسمی، عضو پیشین شورای عالی



مجید میراسکندری، حسابدار مستقل، حسابدار رسمی، دبیرکل اسبق و عضو اسبق شورای عالی



داود مسگریان حقیقی، دکتری مدیریت کسب و کار، حسابدار خبره، حسابدار رسمی



محسن قاسمی، حسابدار خبره، دبیر کل انجمن، ویراستار فنی و مدیر اجرایی مجله حسابدار

آذر ۱۳۹۳، پژوهشگاه نیرو) نیز "بازآفرینی مدیر مالی (CFO)" است. از این رو، این میزگرد را به ویژگی‌ها، جایگاه، و وظایف رئیس سازمان‌های حسابداری مالی و به ویژه مدیر مالی ارشد (CFO) اختصاص داده‌ایم. هم‌چنین، درباره‌ی تفاوت‌های CFO و دیگر مشاغل همتای آن مثل مدیر مالی و معاون مالی و مانند این‌ها

دوره‌های آموزشی که ضوابط آن توسط شورای عالی تعیین خواهد شد می‌توانند به عنوان عضو خبره در یک یا چند شاخه‌ی تخصصی از جمله حسابدار مستقل خبره، حسابدار مدیریت خبره، حسابرس داخلی خبره، و مدیر مالی خبره شناخته شوند. از طرف دیگر، موضوع سی و ششمین سمینار سراسری انجمن (۱۷)

پوریانسب: ۲۳ تیر ۱۳۹۳ در مجمع عمومی فوق‌العاده‌ی اعضای انجمن حسابداران خبره‌ی ایران اساسنامه‌ی جدید انجمن مصوب شد. طبق ماده‌ی ۸ این اساسنامه، اعضای عادی انجمن پس از حداقل دو سال عضویت و احراز شرایطی شامل قبولی در آزمون تخصصی، کسب تجربه‌ی کاری، و گذراندن



داده شود تا آن شرکت‌ها بتوانند متصدیان این مقام را از بین دارندگان آن گواهی‌نامه یا نشان حرفه‌ای بپذیرند. دوم این که مقتضیات طراحی این عنوان برای ما چیست؟ به نظرم در ایران با توجه به مسائلی که داشته‌ایم، هر دو انجمن حرفه‌ای حسابداری یعنی هم انجمن حسابداران خبره‌ی ایران و هم جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران هنوز آن طور که باید و شاید آن Brand Image یا تصویر نامان را برای شرکت‌ها و سازمان‌ها و شافلان این عرصه ایجاد نکرده‌اند. در سازمان‌ها و شرکت‌های کشورهای توسعه‌یافته غیرممکن است که در یک شرکت متوسط به بالا یک غیر CPA مسئول سامانه‌ی حسابداری و مالی شود. یعنی اگر دکتری هم داشته باشد باز هم آن عنوان حرفه‌ای را نیاز دارد. اصولاً کار حسابداری یک کار حرفه‌ای و فنی است. ما هنوز نتوانسته‌ایم این تصور را در باور کارفرمایان برای استخدام مسئول سامانه‌ی حسابداری و مالی ایجاد کنیم.

پوریان‌سب: من تفاوت حسابداری و مدیریت مالی را این‌گونه که آقای میراسکندری برشمردند نمی‌بینم. مدیریت مالی یکی از مشاغل حسابداری است؛ مثل حسابرسی. ضمن این‌که به نظر می‌رسد تمایل اعضای این میزگرد بر این است که مقام مسئول حسابداری و مالی را CFO بنامیم. پیش از آن که

که مدیر مالی در ایران چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؛ چه کارهایی باید بلد باشد؛ و چه کارهایی باید انجام دهد. کار مدیر مالی در ایران با کشورهای توسعه‌یافته بسیار متفاوت است. در آن کشورها تقریباً تکلیف مشخص است. کسی که می‌خواهد مدیر مالی یک شرکت بزرگ شود معمولاً یک مدرک کارشناسی ارشد مدیریت اجرایی (MBA) یا یک گواهی‌نامه‌ی CPA و مثلاً ۱۰ سال تجربه‌ی کاری دارد. کاری که باید انجام دهد هم چه در شرکت‌های کوچک و چه در شرکت‌های بزرگ تقریباً مشخص است. همان طور که می‌دانید از ۱۹۹۰ در دولت فدرال آمریکا این قضیه کاملاً سازمان‌یافته و قانون‌مند شده است. در آن ساختار، یک جایگاه سازمانی به نام مدیر مالی ارشد یا CFO تعریف شده است که قانون و شورای مخصوص به خودش را دارد. در دفتر بودجه هم معاونتی تاسیس شده است که این را سرپرستی می‌کند. رئیس آن دفتر را هم رئیس جمهور تعیین می‌کند. بنابراین، در آن جا چه در دولت و چه در بخش خصوصی تکلیف مشخص است.

مسگریان حقیقی: در این حوزه دو بحث اساسی مطرح است. یکی طراحی و اعطای یک عنوان یا نشان حرفه‌ای است؛ برای این که به مقام رئیس سامانه‌ی حسابداری و مالی شرکت‌های متوسط و بزرگ اعتبار

بحث می‌کنیم. این بحث به نظرم از این منظر ضرورت دارد که در بسیاری از سازمان‌ها مشاغل مربوط به نفر اول و رئیس سامانه‌ی حسابداری و مالی مرز و تعریف مشخصی ندارند. به علاوه بعضاً مشغول مدیریت مالی با تأمین مالی یا finance یکی دانسته می‌شود. بنابراین، بحث ما کمک خواهد کرد هم تعاریف و وظایف رئیس سامانه‌ی حسابداری و مالی مشخص و هم با حوزه‌ی تأمین مالی تفکیک شود و در نتیجه صلاحیت‌های مدیر مالی خبره برشمرده شود.

در آغاز بحث اگر هر یک از حضار به عنوان مقدمه صحبتی دارند، خواهش می‌کنم مطرح کنند.

میراسکندری: ما باید به این موضوع توجه کنیم که این دو مقوله یعنی حسابداری و مدیریت مالی چه تفاوت‌هایی با هم دارند. چه مشخصاتی دارند. البته تقریباً به طور کلی مشخص است. همه جا هم نوشته شده است و چیز جدیدی نیست. حسابداری ایستا، گزارشگر، و گذشته‌نگر است. اقدامات حسابداری بیشتر استاندارد است. از سوی دیگر، مدیر مالی کارش پویا، تحلیل‌گر، و آینده‌نگر است. این جنبه‌ها در این دو زمینه‌ی شغلی و حرفه‌ای با هم تفاوت دارند. به نظرم در این بحث خوب است به این هم بپردازیم

نظر خود را در مورد این عنوان سازمانی بگویم اجازه دهید این پرسش را نیز طرح کنم که مدیر مالی ارشد ایران به چه عنوان خوانده می‌شود و چه نقش‌ها و وظایفی دارد، و اساساً وجود این مقام در نمودارهای سازمانی کجای کار را رونق می‌بخشد.

بستانیان: من تصورم این است که همه‌ی دوستان در مورد CFO و نیز مدیر مالی یا financial manager نظرات خود را ارائه بدهند. سپس وارد بحث کلی شویم. به این دلیل که طبق تجربه‌ی سال‌های دورم که در شرکت‌های بین‌المللی کار حسابداری می‌کردم این مدل مستقر بود که در یک شرکت یک مدیر مالی، یک کنترلر، و یک خزانه‌دار کار می‌کردند. الان نیز در بسیاری از شرکت‌ها و سازمان‌ها همین ساختار است. حال هر چه می‌خواهیم اسم آن را بگذاریم؛ مثلاً CFO یا مدیر مالی ارشد. به هر حال، منظورمان آن شخصی است که در راس حسابداری و مالی است. یعنی، شخصی که هر دو حوزه‌ی finance و حسابداری را زیر نظر دارد. این چیزی است که از ۳۰ سال پیش هم وجود داشته است. الان نیز همین‌گونه است.

جمشیدی فرد: اگر اجازه دهید من از عنوان مدیر مالی استفاده می‌کنم. به نظر می‌آید شکاف بزرگی بین این وجود دارد که مدیر مالی را چه کسی انتخاب می‌کند. به طور سنتی مدیران مالی را مدیران اجرایی ارشد بر اساس شاخص‌های متعارفی که وجود دارد، مثل تجربه، تحصیلات، و ویژگی‌های اخلاقی و ... انتخاب می‌کنند. ضرورت این بحث در این نکته است که انجمن‌های حرفه‌ای که ذی‌صلاح هستند باید تشخیص بدهند چه کسی صلاحیت احراز مقام مدیر مالی را دارد. یعنی مدیران اجرایی ارشد شرکت‌ها و سازمان‌ها به این باور برسند که افراد مورد تایید انجمن‌های حرفه‌ای را برای احراز این مقام مهم به استخدام در آورند. در صورتی که، در حال حاضر، مدیران مالی غالباً توسط هیات مدیره و مدیرعامل انتخاب می‌شوند. مجامع حرفه‌ای می‌توانند بر اساس گواهی‌نامه‌هایی که می‌دهند به انتخاب این افراد کمک کنند. برای همین هم غالباً در ساختار راهبری شرکتی حضور یک متخصص حسابداری و مالی در کمیته‌های

هیات مدیره پیش‌بینی می‌شود. این حضور به تشخیص آن صلاحیت‌های تخصصی کمک می‌کند.

قاسمی: به نظرم مهم است حالا که قرار شده است طبق اساسنامه‌ی انجمن این عناوین و گواهی‌نامه‌های حرفه‌ای را بدهیم، ببینیم مثلاً صلاحیت‌هایی را که برای اعطای عنوان مدیر مالی خبره نیاز است بررسی کنیم چه مواردی باید باشد؟ و پرسش دیگری را که می‌خواهم مطرح کنم این است که فرایند اعطای عنوان مدیر مالی خبره چگونه باید باشد. در واقع، مدل مطلوب اجرای ماده‌ی ۸ اساسنامه‌ی فعلی در ارتباط با مدیر مالی خبره چگونه باید باشد.

پوریان‌سب: ما باید ببینیم مدیر مالی اساساً یک شغل است؟ یا هم شغل و هم دانش است؟ تا آن جا که می‌دانم در محدوده‌ی شغلی حسابداری شرکتی قرار می‌گیرد. فکر می‌کنم دغدغه‌ی آقای قاسمی این است که حال که قرار است گواهی‌نامه اعطا شود چه سوابق شغلی باید پذیرفته شود؟ و چه موادی را برای آزمون باید در نظر گرفت؟ اجازه دهید به این پرسش‌ها بپردازیم.

صیدی: CFO در واقع عنوان پیچیده‌ای است. در آمریکای شمالی گواهی‌نامه‌هایی می‌دهند که برای آموزش مدیر مالی ارشد یا CFO است؛ نه این که CFO حرفه‌ای یک گواهی‌نامه‌ی شغلی است.

میراسکندری: به نظرم بهتر است بحث را کمی محدودتر کنیم. مثلاً، دولت را از بخش خصوصی جدا کنیم. چون همه‌ی کارها در دولت با بخش خصوصی فرق می‌کند. عرض کردم، مثلاً در آمریکا برای مدیران مالی دولتی قانون وجود دارد. پس بهتر است بحث را به بخش خصوصی و به‌ویژه صنایع محدود کنیم. مدیر مالی در بانک، بیمه، و نهادهای مالی یک ویژگی‌های دیگری دارد. حتی نمودار سازمانی و ضوابط آنها فرق می‌کند. در بحث محدودتر می‌توانیم مشخص‌تر به نتیجه برسیم.

من روی بحث خبره حرف‌های زیادی دارم. حتی در مورد حسابدار مستقل خبره هم حرف دارم. آیا حسابدار مستقل خبره یعنی همان حسابدار مستقل؟ این دو چه فرقی با هم دارند؟ به این دلیل گفتم بحث را به بخش خصوصی ببریم. چون بخش خصوصی کاری ندارد به این که شما چه خوانده‌اید؟ شاید بخش خصوصی کسی

را در راس کار بگذارد که کاملاً مشرف به همه‌ی امور باشد بدون این که گواهی‌نامه‌ای داشته باشد.

صیدی: به نظرم اگر به سمت صنایع برویم خیلی اختصاصی خواهد شد و دیگر مدیر مالی ارشد یا CFO موضوع محوری نمی‌شود.

پوریان‌سب: اتفاقاً در جاهایی مثل بانک‌ها مدیر مالی ارشد یا CFO معنی بهتری دارد. بعداً به این هم خواهیم رسید که آیا در سازمان‌های کوچک هم مدیر مالی ارشد یا CFO داریم؟ یا از همان عناوین دیگر مثل مدیر مالی یا financial manager و رئیس حسابداری استفاده می‌شود.

صیدی: به نظرم در بحث‌های اولیه‌ای که درباره‌ی این مورد می‌شود اگر تمرکز روی CFO باشد تا نگاه‌ها بهتر است. نکته‌ی دوم، بحث حرفه‌ای‌گری و بخش خصوصی و ... است. دنیا و نگاه‌ها آن قدر بزرگ شده‌اند و عرضه و تقاضا آن قدر زیاد شده است که باعث می‌شود مدارک و گواهی‌نامه‌ها پشتوانه‌ای برای استخدام باشند. دیگر اعتماد صرف به یک فرد تحصیل‌کرده و باتجربه کارایی لازم را ندارد. بلکه باید یک انجمن حرفه‌ای صلاحیت تجربی و آموزشی یک آدم حرفه‌ای را گواهی کند.

میراسکندری: یک مسئله‌ای شما فرمودید که آیا در شرکت‌ها و سازمان‌های کوچک هم CFO داریم یا نه؟ ما در همه جا CFO داریم. ولی CFO در سازمان کوچک در حقیقت همه‌کاره است. آن هم به خاطر کار راهبردی است که باید بکند. CFO در موسسات کوچک می‌تواند حتی منابع انسانی، فناوری اطلاعات، امور حقوقی و .. را هم سرپرستی کند. ولی وقتی سازمان خیلی بزرگ می‌شود حدود ۸۰ درصد کار همان finance و حسابداری می‌شود. بنابراین، من با تجربه‌ای که دارم و نیز متونی که دیده‌ام می‌گویم ما همه جا مدیر مالی ارشد یا CFO داریم. در جایی مدیر ارشد تعیین‌کننده است و در جایی نیز هم‌تراز دیگر مدیران است.

پوریان‌سب: در سازمان‌های کوچک و دست کم در آن طرف مرزها مدیر مالی ارشد یا CFO نداریم. در ایران هم عنوان CFO یا مدیر مالی ارشد را نداریم. آن چه رایج است مدیر مالی است که در سازمان‌ها و شرکت‌ها بسته به اندازه‌شان نام‌های مختلف دارند؛ از

معاون مالی و اقتصادی مثل شهرداری تهران گرفته تا رئیس حسابداری و مسئول مالی در یک سازمان کوچک. بنابراین، در ایران معادل‌سازی‌هایی برای مقام مسئول سامانه‌ی حسابداری و مالی مثل CFO و financial manager شده است. مثلاً وقتی سازمان بزرگ می‌شود از عنوان معاون مالی یا معاون اقتصادی یا ... استفاده می‌شود. لزوماً همه CFO نیستند. به هر حال، در این جلسه ظاهراً عنوان مدیر مالی به عنوان مسئول حسابداری و مالی ترجیح داده می‌شود.

حالا اگر اجازه بفرمایید وارد بحث شویم. می‌دانیم اکنون طبق اساسنامه‌ی انجمن بحث اعطای گواهی‌نامه‌ی مدیر مالی خبره‌ی را داریم. از سوی دیگر، می‌خواهیم بدانیم مدیر مالی خبره در سازمان‌های ما به چه مشاغلی اطلاق می‌شود.

پرسش‌ها: ضرورت تعریف گواهی‌نامه‌ی مدیر مالی خبره چه بوده است؟ این آیا اصلاً این عنوان در خارج از کشور همتایی دارد؟ چرا انجمن احساس کرده است که به عنوان یکی از مشاغل حساس حسابداری باید آدم‌هایی را به داشتن این توانایی و صلاحیت گواهی کند؟

میراسکندری: در ابتدا سوالی دارم از مطلعین از موضوع، و آن این که چطور به این نتیجه رسیدید که عنوان "خبره" را از نام انجمن حسابداران خبره‌ی ایران روی عناوینی مثل حسابدار مستقل و غیره بگذارید؟ البته عنوان حسابدار مدیریت گواهی‌شده را قبول دارم. چون هم آموزشگاه آن را داریم و هم کلاس و کتاب و آزمون آن را. بنابراین، می‌توانیم آن را خیلی شفاف عملی کنیم. سوال من در مورد دیگر عناوین است.

جمشیدی‌فرد: یکی از اهداف انجمن اعتلای حرفه است. این اعتلای حرفه هدفی کلی است. می‌توانیم در مشاغل و طبقات مختلف آن را اجرایی کنیم. اساسنامه‌ی انجمن حدود ۳۰ سال بود که اصلاح نشده بود. مدت‌ها بود که نیاز به اصلاح احساس می‌شد. در واقع، اساسنامه به اصلاحات اساسی نیاز داشت. یکی از آن اصلاحات هم ضرورت پرداختن به عناوین حرفه‌ای بود. البته محث در شوراهای قبلی نیز از پیش از یک دهه‌ی پیش مطرح بود. ولی در شورای قبلی جدی‌تر شد. تا جایی که پیش‌نویس اساسنامه‌ی جدید از جمله

بحث اعطای گواهی‌نامه‌های حرفه‌ای تنظیم شد. آن موقع که ضرورت اصلاح اساسنامه‌ی انجمن، از جمله اعطای گواهی‌نامه‌های حرفه‌ای، مطرح شد هنوز انجمن مدیران مالی و حسابرسان داخلی تشکیل نشده بودند. در دوره‌های آموزشی و سمینارهایی که انجمن برگزار می‌کرد نیز مباحث مدیر مالی، حسابرس داخلی، حسابداری مدیریت همیشه جزو موضوعات اساسی بود. این است که موضوع اتفاقاً جنس کار انجمن از همان اول بوده است.

بحث دیگر این که کل حرفه‌ی حسابرسی ما در حال حاضر در یک نگاه کلی چیزی حدود ۲۵ هزار نفر است. البته، حدود ۵۰۰، ۶۰۰ حسابدار رسمی شاغل در کشور داریم. به اعتقاد من وظیفه‌ی انجمن سامان‌دهی همه‌ی حسابداران حرفه‌ای ایران است که جامعه‌ای میلیونی هستند. انجمن حسابداران خبره‌ی ایران نقش مادرانه‌ای نسبت به حرفه‌ی حسابداری در ایران دارد. اصلاً و ابداً بنا نیست انجمن رقیب انجمن‌های دیگر باشد.

بنابراین، به دنبال سوابقی که در انجمن داشتیم بحثی در شورای عالی پیش آمد که عناوین حرفه‌ای به اعضا بدهیم تا انجمن رسالت واقعی و مورد انتظار خود را در جامعه و اقتصاد کشور ایفا کند. ضرورت محیطی به‌ویژه محیط اقتصاد و کسب‌وکار هم به سوی پیش رفت که ضرورت پرورش حسابداران تخصصی در عرصه‌های مهمی مثل حسابرسی داخلی، مدیریت مالی، و حسابداری مدیریت بیشتر از گذشته احساس شد.

در بحث مدیر مالی واقعیت این است که ما به تعداد شرکت‌های فعال در ایران مسئول سامانه‌ی حسابداری و مالی با ویژگی‌های مخصوص به خود داریم. این وضعیت باید سامان‌دهی شود. بهتر است به جای این که مدیران مالی در شرکت‌ها و سازمان‌ها به صورت غیر ضابطه‌مند و سلیقه‌ای انتخاب شوند، انتخاب آنان به کمک معیارها و گواهی‌نامه‌های صادره از سوی تشکلهای حرفه‌ای انجام شود. ایرادی هم ندارد که چند تا انجمن مختلف این کار را بکنند. ما به هر حال به عنوان پیشگام انجمن‌های حرفه‌ای باید کاری می‌کردیم و حرفه را از این نظر رو به جلو هدایت می‌کردیم. در کنار این باید آموزش هم باشد

تا مدیران مالی بروز باشند. نظر ما این بود که شرایط احراز مدیر مالی را بنا نیست نهادهای و سازمان‌های دولتی مثلاً سازمان بورس و اوراق بهادار تعیین کنند. بلکه انجمن‌های حرفه‌ای باید این کار را بکنند.

پوریان‌سب: ما اساساً مسائل زیادی در اصطلاحات و عناوین حرفه‌ای حتی در قانون داریم. مثلاً در قانون تجارت مرز بین director و manager مشخص نشده است. چون به هر دو مدیر می‌گویند. در مورد مسئول مالی یا حسابداری هم همین طور است. الان می‌گوییم CFO یا حتی مدیر مالی و آن را به همه‌ی مسئولان مالی و حسابداری اطلاق می‌کنیم. آیا این درست است؟ در حالی که CFO برای گروه‌ها استفاده می‌شود. این در شناسایی افراد واجد شرایط برای عنوان مدیر مالی خبره مشکل ایجاد می‌کند. بگذریم که عنوان را مدیر مالی گذاشته‌ایم ولی مدیر مالی که ما در نظر داریم بسته به سازمان می‌تواند عناوین بسیار متفاوتی داشته باشد که باید آنها را شناسایی کنیم.

بستانیان: ابتدا باید بگویم در بحث‌های مربوط به تغییر اساسنامه جزو کسانی بودم که موافق نبودم. ولی به هر لحاظ الان در ایران شخصی که بعد از مدیرعامل شرکت را اداره می‌کند هیچ ملاک و معیاری برای انتخابش نیست. اشخاصی که این سمت شغلی و سازمانی را می‌گیرند باید ارزش و اعتباری داشته باشند. این ارزش و اعتبار می‌تواند با همین مدارک حرفه‌ای و از مسیر درست و ضابطه‌مند آن مشخص شود. در کشورهای توسعه‌یافته آموزش را باید خود فرد ببیند؛ و انجمن‌های حرفه‌ای تنها از او آزمون می‌گیرند. البته آزمون‌های بسیار دشواری وجود دارد که شاید معادل یک مقطع دانشگاهی بشود. وقتی فرد در آزمون پذیرفته شد هم او را رها نمی‌کنند. چون مکلف به گذراندن آموزش مستمر و مکلف به رعایت اخلاق حرفه‌ای است. بنابراین، نام‌گذاری افراد به عنوان مدیر مالی خبره نقطه‌ی آغاز حرفه‌ای‌گری است. این عنوان وقتی ارزش پیدا می‌کند که یک پشتوانه‌ی ضابطه‌مند داشته باشد و خوب کنترل شوند. حتی در بسیاری از کشورها گزارش خلاف واقع دیگران جزو تعهدات این افراد است. پس موارد مهمی که باید مورد توجه قرار بگیرند آموزش، اخلاق حرفه‌ای، و نظارت انجمن صادرکننده‌ی گواهی‌نامه است.



مهم‌ترین مورد این است که باید یک کدنامه‌ی اخلاقی مرتبط با آن گواهی‌نامه وجود داشته باشد. به طوری که دارندگان آن گواهی‌نامه خود را ملزم به رعایت میثاق‌های اخلاقی آن کدنامه بدانند. این کدنامه‌ی اخلاقی در واقع این اطمینان را به جامعه‌ی ذی‌نفعان می‌دهد که شخص دارای این گواهی‌نامه منافع سازمانی و منافع عمومی را فدای منافع شخصی خود نمی‌کند. شما هر حرفه‌ای را در دنیا بررسی کنید اعضای آن به طور صریح و با صدای بلند در پیشگاه جامعه‌ی ذی‌نفعان سوگند می‌خورند که با اخلاق باشند. همه‌ی تشک‌ها و انجمن‌های حرفه‌ای دنیا تلاش می‌کنند که تصویر اخلاق‌مندی از حرفه‌ای‌های خود نزد اذهان عمومی تصویر کنند. برای این کار هم بدون هیچ‌گونه مسامحه‌ای افراد متخلف را مجازات می‌کنند. و از آن مهم‌تر، این مجازات را به طور عمومی اطلاع‌رسانی می‌کنند، تا جامعه به اخلاق‌مداری آن حرفه ایمان بیآورد. ما نباید از اطلاع‌رسانی عمومی مجازات متخلفان ابا داشته باشیم. شاید بعضی افراد فکر کنند این به اعتبار آن حرفه لطمه می‌زند. ولی ابدا این طور نیست. مثلا، در ارتباط با تقلب‌های مالی، همیشه بیش‌ترین آمار تقلب‌های مالی در سطح جهان در آمریکا گزارش می‌شود. معنی این آمار این نیست که در آن کشور بیش‌ترین تقلب‌ها اتفاق می‌افتد. بلکه نشان می‌دهد در آن‌جا بیش‌ترین مبارزه با تقلب انجام می‌شود. همین تقلب سه هزار میلیارد تومانی که در ایران برملا شد، بر خلاف باور عمومی، رتبه‌ی ایران را در مبارزه با تقلب در سطح جهانی ارتقاء داد. چون ایران این پیام را به دنیا مخابره کرد که عزم خود را برای مبارزه با فساد مالی و تقلب جزم کرده است. بنابراین، به نظر من مباحث اخلاقی از اولویت‌های اساسی انجمن در اعطای این گواهی‌نامه‌های حرفه‌ای باید باشد. در کنار آن، بحث آموزش مستمر هم باید برقرار باشد. باید انجمن نزد ذی‌نفعان این گواهی‌نامه‌ها این باور را به وجود آورد که اشخاص دارای این گواهی‌نامه‌ها همواره کیفیت همان روز گواهی‌شدن‌شان را حفظ می‌کنند و حتی ارتقاء می‌دهند. نکته‌ی بسیار مهم دیگر هم بحث نظارت انجمن بر کیفیت ارائه‌ی خدمات حرفه‌ای دارنده‌ی این گواهی‌نامه‌ها است. در واقع، بحث کنترل کیفیت در ارتباط با همه‌ی گواهی‌نامه‌های

گرفته بودند یک تشکل یا باشگاه تاسیس کردند. طی تاریخ حسابداری قانون در جاهای مختلف جهان بعضی چیزها را در حرفه‌ی حسابداری اعتبار بخشید. مثلا در ایران، طبق قانون، حسابرسی شرکت‌ها را فقط اعضای جامعه‌ی حسابداران رسمی می‌توانند انجام دهند. پس صرف عضویت در یک جامعه اعتباری نمی‌آورد. بلکه پشتوانه‌ی قانونی می‌خواهد. بنابراین، اگر قرار است عضویت یک جامعه به آدم اعتبار بدهد شرایط پذیرش و نظارت یک نهاد مثل سازمان بورس و اوراق بهادار و استانداردها حرف اول را می‌زند.

در حال حاضر شرکتی مثل مایکروسافت نیز گواهی‌نامه‌ی حرفه‌ای صادر می‌کند. ولی هیچ کدام از این‌ها جامعیت انجمن‌های حرفه‌ای را ندارند.

پوریان‌سب: به نظرم منظور آقای مسگریان حقیقی این است که صرف دانش کفایت نمی‌کند. بلکه تجربه و وجود یک ارگان حرفه‌ای که آن دانش و تجربه را محک بزند، و علاوه بر این، یک پشتوانه‌ی قانونی که آن گواهی‌نامه را به عنوان جواز کار بپذیرد ضروری است. به عبارت دیگر شخصی که از دانشگاه دانش آموخته می‌شود الزاما نمی‌تواند شرایط ارائه‌ی خدمات حرفه‌ای در سطح بالا را احراز و به آن عمل کند. ضرورت دارد حتما یک سازمان حرفه‌ای نیز به او گواهی‌نامه‌ای به عنوان جواز کار بدهد.

قاسمی: به نظر من اگر این گواهی‌نامه تنها به شکل گواهی کردن و تایید کردن یک شخص در یک مقطع زمانی باشد، نمی‌تواند چندان اثربخش باشد. بلکه باید در چارچوبی باشد که علاوه بر گواهی کردن صلاحیت‌های تجربی و حرفه‌ای اشخاص در یک مقطع زمانی، یک سری ضوابط تکمیلی هم داشته باشد.

صیدی: در عمل باید ببینیم بحث اعطای گواهی‌نامه‌ی حرفه‌ای چقدر موثر خواهد بود. چند نکته است که به نظر می‌رسد این گواهی‌نامه را توجیه می‌کند. اول، این واقعیت که شرکت‌های ما به افراد دارای صلاحیت برای تصدی مقام مدیر مالی نیاز دارند. این یک ضرورت محیطی است. حتی امروزه انتظارات از مدیران مالی بالا هم رفته است. بنابراین، این شغل ضرورت‌هایی را می‌طلبد که معمولا در دانشگاه احراز نمی‌شود.

دوم، این که در جوامع پیچیده‌ی امروزی مدارک و گواهی‌نامه‌های حرفه‌ای نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای دارند. چون در این جوامع هزینه‌ی آزمون و خطا بسیار بالا است. شرکت‌ها دوست ندارند این هزینه را بپردازند. بنابراین، می‌خواهند شخص حرفه‌ای را برای این مقام استخدام کنند.

سوم، این که انجمن حسابداران خبره‌ی ایران با توجه به پیشینه، مقبولیت، ساختار، و ابزارهای قوی آموزشی به طور کامل پتانسیل ایفای این نقش را در اقتصاد و کسب‌وکار ایران دارد. انجمن می‌تواند به تعیین شرایط احراز صلاحیت افراد حرفه‌ای در شرکت‌ها و سازمان‌ها کمک بسیار شایانی کند.

نکته‌ی چهارم بحث مسئولیت انجمن در مقابله حرفه و ارتقای آن و نقش حرفه در توسعه‌ی کشور است. بالاخره ما بدون وجود مدیران مالی خیره نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم کشور توسعه پیدا کند.

مسگریان حقیقی: همان‌طور که می‌دانید نخستین انجمن حرفه‌ای حسابداری حدود ۲۰۰ سال پیش تاسیس شد. آن موقع در دانشگاه‌ها رشته‌ای به نام حسابداری نبود. آدم‌هایی که این کار حرفه‌ای را یاد

حرفه‌ای یکی از مباحث اساسی است.

اگر این موارد به خوبی اعمال شود، همان مقبولیتی که مدنظر است نزد ذی‌نفعان ایجاد می‌شود و این مقبولیت عمومی نهادینه می‌شود. یعنی آن گواهی‌نامه حرفه‌ای نزد جامعه اعتبار پیدا می‌کند. من شخصا جزو آن گروه افراد هستم که اعتقاد چندانی به وجود قانون برای مقبول کردن گواهی‌نامه‌های حرفه‌ای ندارم. اگر قانونی یا ضابطه‌ای هم وجود داشته باشد باید برای راه‌اندازی آن انجمن حرفه‌ای خودانتظام باشد. یعنی مثلا نمی‌شود شرکت‌ها را به طور قانونی مجبور کرد که مدیران مالی را حتما از بین افراد دارای فلان گواهی‌نامه انتخاب کنند. در بین همه‌ی گواهی‌نامه‌های حرفه‌ای حسابداری بحث حسابرسی مستقل یک استثناء است. آن هم به دلیل این است که در حسابرسی مستقل بحث منافع عمومی مطرح است. در همه‌ی دنیا هم حرفه‌ی حسابرسی مستقل را خیلی قانونی و سخت و سخت کنترل می‌کنند. ولی محال است شما حتی یک نمونه هم پیدا کنید که در جایی مثلا الزام قانونی وجود داشته باشد که مدیران مالی، حسابرسان داخلی، حسابداران مدیریت، ... شرکت‌ها دارای یک گواهی‌نامه‌ی مشخص باشند. در ارتباط با زمینه‌های شغلی دیگر حسابداری (به جز حسابرسی مستقل) این مقبولیت عمومی است که اعتبار یک گواهی‌نامه را تعیین می‌کند. مثلا، کسی که دوره‌های آموزشی cima (انجمن حسابداران مدیریت مجاز - انگلستان) را با موفقیت پشت سر می‌گذارد و عضو پیوسته‌ی این انجمن می‌شود یک اعتبار حرفه‌ای در سطح جهانی پیدا می‌کند. منشاء این اعتبار قانون نیست. بلکه مقبولیت عمومی (و در مورد این مثال، مقبولیت جهانی) است.

خوشبختانه در اساسنامه‌ی انجمن در کمال هوشمندی و حرفه‌ای‌گری همه‌ی این موارد دیده شده است. هم الزام وجود آیین‌نامه‌ی اخلاقی، هم الزام آموزش مستمر، و هم الزام نظارت بر کار حرفه‌ای اعضا در مواد مختلف اساسنامه به صراحت لحاظ شده است. فقط ما باید همه‌ی تلاش خودمان را انجام بدهیم که این موارد به شکل درست اجرا شوند تا این گواهی‌نامه‌های حرفه‌ای در آینده مقبولیت عمومی نزد جامعه‌ی ذی‌نفعان پیدا کنند.

مسگریان حقیقی: یک نگاه هم این است که

امروزه مدارک دانشگاهی در ایران آن‌چنان معنا و مفهومی ندارند. به‌ویژه در زمینه‌ی حسابداری و مالی، حتی در بهترین دانشگاه‌های ایران، افراد حرفه‌ای پرورش داده نمی‌شوند. به نظر من کسی که اصول اولیه و اساسی حسابداری و مالی را به خوبی درک نمی‌کند باید به همان جایگاه سازمانی خود اکتفا کند و نباید گواهی‌نامه‌ی حرفه‌ای به او داده شود. در واقع، برای اعطای این گواهی‌نامه‌های حرفه‌ای باید آزمون‌هایی طراحی و برگزار شود که سطح بسیار بالایی داشته باشند.

میراسکندری: اگر واقعا این طور فکر کنیم شاید در ایران حتی یک نفر مدیر مالی خبره هم نداشته باشیم. مثلا، فقط بحث "تحلیلی‌گری مالی" خودش یک دانش بسیار پیچیده است که هر روز چندین کتاب درباره‌ی آن منتشر می‌شود. دانش و تخصصی که یکی از ابزارهای بسیار مهم مدیران مالی است و در واقع هر مدیر مالی موفق باید به آن مجهز باشد.

جمشیدی‌فرد: اتفاقا یکی از دلایلی که ما به سوی اعطای گواهی‌نامه یا نشان حرفه‌ای رفتیم همین بود که ما در حال حاضر چنین چیزی نداریم. پس وظیفه داریم این کار را انجام دهیم. باید از جایی شروع کرد. حالا شاید چند سال دیگر مثلا یک انجمن این عنوان را خیلی تخصصی‌تر دنبال کند. اشکالی ندارد. بحث مهم بعدی هم کیفیت اجرا است.

با توجه به اهداف و رسالت اصلی انجمن در حرفه‌ی حسابداری ایران، من این سوال را از کسانی که تردید در این کار انجمن دارند، می‌پرسم که اگر ما این کار را نکنیم چه نهادی باید این کار را انجام دهد؟ آیا اصلا نباید به چنین سمتی برویم؟ این که ایراد دارد و مغایر با اصول حرفه‌ای‌گری است. پس باید به این سوال پاسخ داد که اگر انجمن نه؟ پس کجا؟

پوریان‌نسب: جناب آقای میراسکندری تحلیل‌گری مالی به حوزه‌ی ما مربوط نمی‌شود. تحلیل‌گری مالی یک شغل در حوزه‌ی تأمین مالی یا Finance است. مدیریت مالی با تحلیل‌گری مالی یکی نیست. به‌علاوه، ما امروز اینجا گرد آمده‌ایم که ایجابی صحبت کنیم. الان بحث نفی گواهی‌نامه واقعا موضوعیت ندارد. این موضوع در اساسنامه‌ی انجمن گنجانده و مصوب شده است. اکنون بحث بر سر نحوه‌ی اجرای آن است. بحث این است که چه سوابق و چه دانشی برای احراز این

عنوان یا گواهی‌نامه باید در نظر گرفته شود.

صیدی: من فرمایش آقای میراسکندری را که تأکید دارند این کار خیلی باید با دقت پیگیری شود کاملا قبول دارم. اجرای این کار باید خیلی با استاندارد بالا و سختگیرانه باشد. من مطمئن هستم که تقاضای بالایی برای این گواهی‌نامه‌ها در حرفه‌ی حسابداری ایران وجود دارد. مثلا، همین عنوان حسابدار مستقل انجمن را در نظر بگیرید. تقریبا بیشتر افرادی که به عضویت جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران در می‌آیند بلافاصله برای گرفتن عنوان حسابدار مستقل به انجمن مراجعه می‌کنند و اتفاقا خیلی هم پیگیر هستند. همین خودش معرف یک اعتبار و مقبولیت بالا است. برای این اشخاص گرفتن عنوان حسابدار مستقل از انجمن به لحاظ اعتبار و آبرو بسیار مهم است، و جایگاه مهمی دارد. همین یک مدل موفق است و به ما اجازه می‌دهد عناوین خبره‌ی دیگر را با دلگرمی و خاطر جمعی اعطا کنیم.

مسگریان حقیقی: من شخصا در ضرورت اعطای این گواهی‌نامه توسط انجمن تردید ندارم. چرا که اصولا رسالت دانشگاه‌ها پرورش افراد حرفه‌ای نیست؛ بلکه این انجمن‌های حرفه‌ای هستند که چنین رسالتی بر عهده دارند. رسالت دانشگاه آموزش حداقلی دانش است که بتواند در محیط کار از آن استفاده شود. حالا چون این موضوع در اساسنامه هم به تصویب رسیده است خواهش من شخصا این است سرسری گرفته نشود و اصل قضیه لوٹ نشود.

قاسمی: این‌جا لازم است به عرض برسانم در جلسه‌ی ۱۷ شهریور ۱۳۹۳ شورای عالی بر مبنای مباحث مفصلی که در جلسات پیش از آن مطرح شده بود در ارتباط با چگونگی اجرای ماده‌ی ۸ اساسنامه، موضوع اعطای عنوان‌های خبرگی "حسابدار مستقل خبره"، "حسابدار مدیریت خبره"، "حسابرس داخلی خبره"، و "مدیر مالی خبره"، ضوابط اولیه‌ای به شرح زیر مصوب شده است: (۱) مبنای اعطای عنوان‌های خبرگی، علاوه بر کسب تجربه‌ی کاری و گذراندن دوره‌های آموزشی (طبق ماده‌ی ۸ اساسنامه) قبولی در آزمون جامع ادواری است. (۲) آزمون جامع ادواری مربوط به اعطای عنوان‌های خبرگی توسط دبیرخانه‌ی انجمن برگزار خواهد شد. (۳) آزمون جامع ادواری



لزوما حسابداران به آن اشراف ندارند. البته من اعتقاد دارم که پیشینه‌ی مدیر مالی باید حسابداری باشد.

پوریان‌سب: برخلاف آقای میراسکندری معتقدم مدیریت مالی از مشاغل حسابداری است برای من فرق بین تأمین مالی و مدیریت مالی روشن است. می‌دانم مدیریت مالی به حسابداری تعلق دارد. ولی دوست دارم دیگران بحث نکنند. حوزه‌ی **finance** یا تأمین مالی به عنوان یک رشته‌ی دانشگاهی وجود دارد. از طرف دیگر، حسابداری هم یک رشته‌ی جداگانه‌ی دانشگاهی است. این‌ها رشته‌های دانشگاهی هستند. اما **financial management** رشته‌ی دانشگاهی نیست؛ بلکه، یک شغل است که دانش آن از حسابداری و **finance** می‌آید. بی‌تردید تأمین مالی و حسابداری دو حوزه‌ی متفاوت هستند.

حال پرسش من دوباره این است که نسبت حسابداری و **financial management** چیست؟

میراسکندری: من خودم حسابدار هستم. همه چیز را هم با حسابداری می‌سنجم. بحث سرمایه در گردش که پیش می‌آید، به حسابدار ارتباط دارد. ولی خارج از آن به مدیر مالی مربوط می‌شود. منظور من این است که حسابدار تا سرمایه در گردش بیشتر نمی‌تواند بیاید. در واقع، فراتر از آن جایی برای نقش‌آفرینی ندارد. ولی مدیر مالی خارج از آن هم نقش‌آفرین است. بهره، تقسیم سود، میزان اندوخته، مدیریت مالیاتی، و مدیریت بدهی‌های ارزی و ... همه مربوط به مدیر مالی

را هم نمی‌گذاشتیم فرق چندانی نمی‌کرد. در گذشته هم در این مورد بحث کرده‌ایم. انجمن نهادی مانند سازمان نظام‌پزشکی است. خبره در عنوان انجمن است. بنابراین، کفایت می‌کند. در واقع، هر کسی، هر تخصص و هر گواهی‌نامه‌ای را از انجمن دریافت کند بالطبع خبرگی را احراز کرده است. من هم در جلسات شورا از مخالفان اعطای گواهی‌نامه‌ی خبره بودم ولی حالا اینجا نشسته‌ایم که در مورد صلاحیت‌های لازم بحث کنیم. چون مجمع اساسنامه‌ی جدید را به تصویب رسانده است و در این اساسنامه عناوین خبرگی پیش‌بینی شده است. اجازه دهید پرسش‌های دیگری طرح کنم.

پرسش: آیا کسی که این گواهی‌نامه را ندارد، می‌تواند این عنوان شغلی را بگیرد یا نه؟ و نسبت حسابداری با مدیریت مالی یا **financial management** چیست؟

میراسکندری: بحث من این است که مثلا من مدیر مالی هستم ولی مدیر مالی خبره نیستم. اگر روزی انجمن هم بخواهد چنین عنوانی را بدهد من از انجمن تقاضا نخواهم کرد. چون این در جاهای دیگر دنیا معنی مخصوص به خود را دارد. این‌گونه نیست که چون شما حسابدار معتبری هستید و شرکت بزرگی را حسابداری و مدیریت مالی می‌کنید مجاب بشوند که چنین عنوانی را به شما بدهند. حال پرسش این جا است که کدام نهاد می‌تواند این عنوان را بدهد؟ هر انجمنی باید اعضای خودش برونند و آن راه بیندازند. باید قبول کنیم که این خودش یک تخصص است که

مربوط به اعطای هر یک از عنوان‌های خبرگی به طور جداگانه در طول سال برگزار خواهد شد. (۴) منابع آموزشی و مفاد آزمون جامع ادواری مربوط به اعطای هر یک از عنوان‌های خبرگی پس از تصویب شورای عالی توسط دبیرخانه‌ی انجمن به اعضا ابلاغ خواهد شد. (۵) شورای عالی در ارتباط با هر یک از عنوان‌های خبرگی می‌تواند تنها یک بار گروهی از اعضای فعلی انجمن را که حائز شرایط دریافت این عنوان‌های خبرگی تشخیص می‌دهد از شرکت در آزمون جامع ادواری معاف کند و (۶) ضوابط تکمیلی مربوط به هر یک از موارد بالا متعاقبا توسط شورای عالی تعیین خواهد شد.

همین طور که می‌بینید اجرای ماده‌ی ۸ اساسنامه یکی از اولویت‌های کاری شورای عالی و دبیرخانه‌ی انجمن است. برآورد شخص من این است که طی سال مالی آینده‌ی انجمن حتما شاهد برگزاری این آزمون‌ها خواهیم بود و این آرزوی دیرینه‌ی بنیان‌گذاران و اعضای انجمن جامه‌ی عمل خواهد پوشید.

پوریان‌سب: نکته‌ای که جا دارد این‌جا بگوییم این است که لفظ خبره را انجمن فقط به خاطر استاندارد کردن گواهی‌نامه‌ها در نظر گرفته است. مثلا، در گذشته در عنوان حسابدار مستقل فقط عنوان مستقل کفایت می‌کرد. یعنی کسی که عنوان حسابدار مستقل را می‌گرفت می‌توانست گزارش حسابرسی را امضا کند. لفظ خبره برای این برگزیده شد که بین همه‌ی این عنوان‌ها که آقای قاسمی برشمردند یکسانی به وجود بیاید. البته به نظر من اگر لفظ خبره

در این حالت اصلا ما ساختار عریض و طویل امور مالی نداریم که یک فرد را ارشدترین فرد امور مالی به معنی CFO بنامیم. در واقع، CFO رئیس همه‌ی روسای امور مالی است. تجربه نشان می‌دهد در شرکت‌های بزرگ و موفق دنیا نفر دوم CFO است.

جمشیدی فرد: من بین حسابداری یا مدیریت مالی مقایسه‌ای نمی‌کنم. به نظر من مقدمه‌ی مدیریت مالی باید حسابداری باشد و جای همدیگر قرار نمی‌گیرند. در واقع، مدیر مالی‌ای موفق است که حسابداری خوانده باشد و حسابداری بداند. به نظر بد نیست نگاهی هم به وضعیت خودمان بکنیم. بعضی مواقع ما خیلی در مورد معیارها، شرایط، و شاخص‌های آن سوی آب فکر می‌کنیم. نکته این است که ما بازارهای مان قابل مقایسه با آنها نیست. بنابراین، عنوان‌مان هم باید مختص به خودمان باشد. مدیر مالی ایرانی می‌تواند این باشد که در محدوده‌ای که بنگاه‌های اقتصادی می‌توانند تصمیم‌گیری کنند، می‌تواند ویژگی‌های یک مدیر مالی ایده‌آل را داشته باشد. مدیر مالی ما ناچار است گذشته‌نگر و پاسخگو باشد. می‌توانم بگویم مدیر مالی ایرانی باید مسائل حقوقی را از یک مدیر مالی خارجی بیشتر بداند.

صیدی: همان‌طور که آقای مسگریان فرمودند اعتقاد من هم این است که نباید اسیر واژه‌ها بشویم. خارج از ایران چارچوب خیلی استانداردی ندارند. ولی فکر می‌کنم معادل CFO در ایران یعنی مدیر مالی. یعنی مدیر مالی کارهای آنها را باید انجام دهد. باید دید انتظارات از مدیر مالی در ایران چیست. من به عنوان کسی که بیشتر در اجرا بوده‌ام تا در امور مالی فکر می‌کنم معمولا مدیران اجرایی و مدیران عامل انتظاری که از مدیران مالی دارند این است که گزارشگری مالی، تامین مالی، برنامه‌ریزی مالی، مدیریت دارایی‌ها، مدیریت ریسک، اجرای کنترل‌های داخلی و ... را به خوبی مدیریت کنند. در این فهرست در ارتباط با گزارشگری مالی و مباحث مالیاتی بیشتر انتظار می‌رود حسابداری غلبه داشته باشد. خودمان هم وقتی راجع به حسابداری بحث می‌کنیم مقداری خالص‌تر صحبت می‌کنیم. ولی، وقتی وارد بحث finance می‌شویم می‌گوییم آب‌شخور اینها اقتصاد و مدیریت و ... است. بنابراین، اگر بخواهیم نسبت را



مدیر مالی کارش آینده‌نگری است و کارش پویا است. حسابدار اصلا وارد مباحث راهبردی نمی‌شود. اصلا قرار نیست تصمیمی بگیرد. این مدیر مالی است که تصمیم می‌گیرد.

مسگریان حقیقی: من می‌خواهم از زاویه‌ی دیگری هم نگاه کنم. بهتر است ما اسیر واژه‌ها نشویم. امروز با نگاه به تجارت اتحادیه‌ی اروپا واژه‌ی CO و CFO را نمی‌بینیم. آن جا یک مدیر شرکت را می‌شناسند. تعریف director هم که مشخص است. بنابراین، بهتر است ما خود را اسیر واژه‌های متعدد نکنیم. در شرکت‌های بزرگ غرب به مرور به مسئولیت‌های بخش مالی افزوده شده است. حال ممکن است حسابدار را برای همان وظایف کلیدی گزارشگری‌اش بگذارند که خیلی هم مهم است. ولی مقام‌های شغلی ایجاد شده مرز بین این واژه‌ها و بخش‌ها را از بین می‌برد. در شرکت‌های بزرگ افرادی را به عنوان رهبرهای حوزه‌های مختلف دارند؛ که مثلا در امور مالی عنوان CFO به او اطلاق می‌شود. این افراد بالاترین درجه را در بخش‌های مختلف دارند. پس معنی و مفهوم پیدا کردن جایگاه CFO واقعی به اندازه‌ی شرکت و نوع تقسیم کار در شرکت بستگی دارد. این که کل مسائلی که با ابعاد مالی فعالیت شرکت سروکار دارد را در اختیار یک نفر قرار بدهیم. حالا بسته به اندازه‌ی شرکت ممکن است آن فرد حسابدار باشد، مدیر مالی باشد، یا به معنی واقعی کلمه CFO باشد. به نظر من در شرکت‌های کوچک اصلا CFO معنی ندارد. چون

است. بنابراین، کسی رئیس یا مرنوس کسی نیست. بلکه حوزه‌ی کاری این دو کاملا با هم فرق دارد.

پوریان‌سب: پس منظور این است که در نهایت سازمان‌ها باید بپذیرند که چه کسی را برای مقام مسئول حسابداری مالی ارشد برگزینند؛ چه این آدم گواهی‌نامه داشته باشد چه نداشته باشد. حالا این جا چند بحث وجود دارد. یکی، این که مدیران مالی از کدام رشته بیرون می‌آیند؟ دوم، این که موقعیت سازمانی‌شان چیست؟ و سوم این که گواهی‌نامه‌های حرفه‌ای‌شان چیست؟ یعنی آیا یک حسابدار رسمی هم می‌تواند مدیر مالی خبره باشد؟ یا فقط باید گواهی‌نامه‌ی مدیر مالی ارائه شود؟

صیدی: در این موضوع ما باید به یک تفاهم نسبی برسیم که چه تعریفی از مدیر مالی داریم؟ اگر روشن شود می‌توان نسبت حسابداری با مدیریت مالی که از دید من همان finance است را تعریف کرد. باید دید از یک مدیر مالی به عنوان بالاترین مقام اجرایی و مالی شرکت چه انتظاراتی داریم. بعد از تعریف یک چارچوب مشخص ببینیم که جایگاه حسابداری و finance کجا است؟

میراسکندری: مدیر مالی یک فرد راهبردی است. عضو تیم راهبردی شرکت است. قرار است بگوید شرکت کجا باید برود و چگونه باید برود. حسابدار می‌تواند CPA باشد. مدیر مالی هم می‌تواند CPA باشد. ولی منظور من این است که حسابدار بیشتر به واقعیات و گذشته نگاه می‌کند و گزارشگر است. در صورتی که

بگویم می‌گویم یک مدیر مالی باید یک سطح مناسبی از دانش حسابداری و تهیه‌ی صورت‌های مالی داشته باشد و نیز آگاهی و تجربه‌ی مطلوبی از دانش اقتصاد، مدیریت، و تأمین مالی داشته باشد. البته بخشی از آن در مرحله‌ی تشخیص و بخشی از آن در مرحله‌ی عمل است. بنابراین، حسابداری به عنوان یک بخش مهم از کار مدیر مالی مورد نظر است. البته با این تأکید که هر چند لازم است ولی کافی نیست.

فاسمی: اجازه بدهید من تصور خودم را از CFO در قالب یک تصویر بگویم. همان گونه که مستحضرید سمینار آینده‌ی ما ۱۷ آذر ۱۳۹۳ با موضوع بازآفرینی مدیر مالی (CFO) برگزار خواهد شد. تقریباً چند ماه است که به طور جدی مقاله‌های این سمینار در کمیته‌ی سمینارهای انجمن مورد بحث و تبادل نظر قرار می‌گیرد. من به عنوان دبیر اجرایی این سمینار بر مبنای همه‌ی این مباحثی که طی این مدت در کمیته‌ی سمینارها مطرح بود در طول حداقل دو ماه گذشته ذهن‌ام مشغول این بود که ما چه پوستری را برای این سمینار انتخاب کنیم که مفهوم CFO را به خوبی به بیننده و مخاطبان منتقل کند. در نهایت، طرحی که انتخاب کردیم و حتماً آن را بر روی جلد مجله‌ی حسابدار شهریور ۱۳۹۳ دیده‌اید تصویر یک رهبر ارکستری است که نشانه‌هایی مالی هم روبروی او است. به نظر من نقش CFO دقیقاً همین نقش رهبری است. ما اگر واحدهای مختلف حسابداری و مالی شرکت را به عنوان نوازنده‌های یک ارکستر در نظر بگیریم، وظیفه‌ی CFO رهبری این ارکستر است. فقط یک CFO موفق می‌تواند از این ارکستر که گاهی نوازنده‌های آن چند صد نفر می‌شوند نوایی خوش و موزون به گوش مخاطبان برساند. در حسابداری و امور مالی شرکت‌ها و سازمان‌های بزرگ هر کارمند و مدیری در جای خودش نقش بسیار بااهمیتی دارد؛ ولی، اگر CFO آن شرکت یا سازمان وظیفه‌ی رهبری خود را به خوبی ایفا نکند آن هدف اصلی محقق نمی‌شود و همه‌ی تلاش‌های همه‌ی آن افراد نابود می‌شود. در واقع، پاسخ من به این پرسش این است که CFO یک سری ابزارها در اختیار دارد که باید بتواند آنها را به خوبی رهبری کند. حسابداری و financial management از جمله‌ی این ابزارها هستند.

به عبارت دیگر، CFO تنها وظیفه‌اش financial management و finance نیست. این‌ها ابزارهای دست CFO برای ایفای وظیفه‌ی اصلی‌اش هستند که همان رهبری مالی شرکت است. در واقع، CFO را می‌توانیم رهبر امور مالی شرکت بنامیم.

پوریان‌سب: در جایی به پاسخ آن رسیده‌ام که چه نسبتی بین finance و financial management وجود دارد، دومی به حسابداری مربوط است. حسابداری گزارش می‌کند. خوب، ما دانشی که یاد می‌گیریم دانش گزارشگری است. financial management در مقام شغل عموماً همین گزارشگری در کنار سایر وظایف است. اساساً مسئول حسابداری در هر سازمانی نقش راهبردی دارد و امروزه شریک سازمان است. این که این عنوان مدیر مالی یا رئیس حسابداری باشد چیزی را عوض نمی‌کند. مدیریت مالی دو وظیفه دارد. یکی از آن وظایف، و مهم‌ترین‌اش، حسابداری است. به همین دلیل، بحث مفاهیم خیلی اهمیت پیدا می‌کند. پس باید این فرد از رشته‌ی حسابداری بیاید. تجربه‌اش هم باید از حسابداری بیاید. این حسابداری که می‌گویم در مقام شغل است. به همین دلیل است که ما مدیریت مالی (financial management) را در هیچ دانشگاه دنیا به عنوان یک رشته‌ی دانشگاهی نمی‌بینیم. financial management در دانشگاه‌ها فقط به عنوان چند واحد درسی در حسابداری و تأمین مالی (finance) وجود دارد.

میراسکندری: این که باید مدیر مالی از حسابداری بیاید بالا در بسیاری از جاها دیده می‌شود. ولی اگر از حسابداری نیاید چه می‌شود؟ آن وقت دانش خیلی از امور مدیریت مالی را ندارد. بنابراین، در کسب تجربه هم به دشواری برخورد خواهد کرد. در این جا این نکته باید گفته شود که مدیر مالی باید آن قدر دانش حسابداری داشته باشد که همه‌ی این مسائل را دقیق بداند. مخصوصاً در ایران مدیر مالی حتماً باید دانش و درک عمیق حسابداری داشته باشد. حتی فراتر از آن، مدیر مالی حتماً باید یک تحلیل‌گر خوب مالی هم باشد. چون مدیر مالی در واقع تصمیمات مهمی می‌گیرد و به تصمیم‌گیری‌های مدیران ارشد هم کمک می‌کند.

پوریان‌سب: اجازه دهید پرسش بعدی را ببرم چون هنوز به نظر می‌رسد اختلاف نظر بین تفسیر ما از مدیریت مالی و تأمین مالی وجود دارد.

پرسش: معادل financial manager و CFO در بنگاه‌های ما چیست؟ در بعضی شرکت‌ها مدیر مالی داریم، و در بعضی از شرکت‌ها مدیر مالی و اداری، یا معاون مالی، یا معاون مالی و اداری؟

اجازه دهید ابتدا در ادامه‌ی بحث قبلی مطلبی را اضافه کنم. چون حقیقتاً این پرسش‌ها که در این میزگرد مطرح می‌شود اهمیت بسیاری دارند. اول این که فکر می‌کنم ضروری است مفهوم دو اصطلاح finance و financial management روشن شود. اگر این دو یکی هستند؛ بنابراین، اساساً حسابداری نیستند. سپس، این سوال پیش می‌آید که اگر financial management یا مدیریت مالی جزء حسابداری نیست، چرا در مقام یک انجمن حرفه‌ای باید گواهی‌نامه بدهیم. از طرف دیگر، اگر finance با financial management فرق دارد؛ بنابراین، به دو اصطلاح نیاز داریم. حالا سوالی که در این جا پیش می‌آید این است که CFO یا مدیر مالی ارشد با مدیر مالی، رئیس حسابداری، و مقام‌های مشابه چه فرقی دارد. و چرا ما عنوان گواهی‌نامه را مدیر مالی خبره گذاشته‌ایم و مثلاً مدیر مالی ارشد خبره نگذاشته‌ایم. پس این جا صرفاً بحث واژگان نیست. بلکه بحث ماهیت و مفهوم است. بحث اول بحث تفکیک حوزه‌ی دانش و یک شغل است. بحث دوم این است که کدام دارندگان سوابق شغلی می‌توانند درخواست گواهی‌نامه‌ی مدیر مالی خبره را بدهند.

finance و financial management مترادف نیستند. اولی یک حوزه‌ی دانش دانشگاهی است. ولی دومی مثل حسابداری مدیریت، حسابرسی، و حسابداری مالی یک شغل در حوزه‌ی حسابداری است. یعنی این شغل از مشاغل است که حسابداران انجام می‌دهند. در ایران، بعضاً به اشتباه این دو را مترادف می‌دانیم. حتی رشته‌ی دانشگاهی finance را با عنوان مدیریت مالی که معادل financial management است برابر گذاشتیم. عنوان CFO یا مدیر مالی ارشد یک مقام شغلی است. CFO شغل

مدیریت مالی یا بالاترین شغل حسابداری در یک سازمان است. البته این عنوان در سازمان‌هایی استفاده می‌شود که در آن‌ها چند لایه و مشاغل متعدد مدیریت مالی وجود دارد. یعنی سازمان‌هایی که از توابع، شرکت‌های فرعی، شعب، سرمایه‌گذاری‌ها، و عملیات مختلف تشکیل شده‌اند. یک بانک را در نظر بگیرید که شعب متعددی دارد، گروه مالی دارد، بیمه و لیزینگ و انواع دیگر شرکت‌های فرعی هم دارد. هر کدام از این‌ها یک مسئول حسابداری و مالی هم دارند. CFO در راس همه‌ی این مسئولان حسابداری و مالی در دفتر مرکزی یا سازمان اصلی است. این CFO گزارش‌های همه‌ی این مسئولان حسابداری و مالی را متمرکز، ترکیب یا تلفیق می‌کند و به مدیر اجرایی ارشد (CEO) و هیات راهبری سازمان اصلی (Board) یا سازمان متبوع خود گزارش می‌کند. رئیس ارشد حسابداری، مدیر مالی ارشد، معاون مالی اقتصادی و عناوین دیگر هم‌تای CFO هستند. بسته به سازمان و اندازه‌ی آن ما می‌توانیم برای شغل مدیریت مالی یا رئیس سامانه‌ی حسابداری و گزارشگری یک عنوان داشته باشیم.

در این جا می‌خواهم اشاره کنم که وقتی می‌گوییم مدیر مالی خبره باید توجه داشته باشیم لزوماً همه‌ی سازمان‌ها CFO یا مدیر مالی ارشد ندارند. در یک سازمان کوچک ممکن است یک رئیس حسابداری مقام ارشد سامانه‌ی حسابداری مالی باشد و هم‌تای CFO در یک سازمان بزرگ باشد. از این رو، وقتی به الزامات احراز مدیر مالی خبره می‌پردازیم باید سوابق شغلی و مشاغل هم‌تای CFO را در نظر بگیریم. شاید در ایران بیش از ۵۰۰ CFO در بخش خصوصی نداشته باشیم. یعنی مقام ارشد مالی که روسای مالی سازمان‌های تابع، وابسته، و شعب به او گزارش بدهند. ولی برای احراز عنوان مدیر مالی خبره شاید بیش از ۱۰۰ هزار نفر داوطلب وجود داشته باشد که همگی آنان هم در مشاغل مدیریت مالی و حسابداری سابقه دارند.

میراسکندری: به نظر می‌رسد این بحث هم در ایران مثل خیلی بحث‌های دیگر خیلی ضابطه‌مند نیست. شاید یک نفر حسابدار معتبری باشد و ۱۰ سال هم در یک شرکت سابقه داشته باشد و زیر و بم شرکت را بدانند. در همان شرکت هم ممکن است یک مدیر مالی جوان و بی‌تجربه باشد. در چنین

وضعیتی ممکن است حسابدار سلطه پیدا کند. یعنی در این وضعیت به شخصیت افراد هم بستگی دارد. مثلاً در یک شرکت، یک شخص با کفایتی تا زمانی که حسابدار است آن واحد حسابداری در آن شرکت اهمیت پیدا می‌کند. ولی وقتی مقام آن شخص عوض می‌شود، مثلاً می‌شود مدیر مالی، آن مقام اهمیت پیدا می‌کند. بعد وقتی همان شخص بازنسنه می‌شود و یک پست مشاوره‌ای برای او درست می‌کنند اتفاقاً آن پست حالا مهم می‌شود. مدیر مالی هر چه اسم‌اش را بخواهید بگذارید این همان شخص راهبردی سازمان است. شخصی که فقط به مدیرعامل و در بعضی موارد به هیات مدیره گزارش می‌دهد. در حالی که حسابدار یا رئیس حسابداری در هر مقامی که باشد فقط به CFO گزارش می‌دهد. بنابراین، یک خط‌کشی نسبتاً مشخص وجود دارد. وظایف هر کدام از این افراد مشخص است. ولی به طور کلی مدیر مالی کسی است که ارتباط با هیات مدیره دارد.

مسگریان حقیقی: در مورد اگر بخواهیم بگوییم تخصص‌اش چیست؛ می‌شود financial manager. مدیریت مالی اما این که بعضی از نظریه‌های مالی از حوزه‌ی اقتصاد آمده است دلیل بر چیزی نمی‌شود. به هر لحاظ یکی از تخصص‌های مدیر مالی خوب این است که بتواند حداقل یک گزارش مالی را تحلیل کند. بنابراین، شرف‌المکان بالمکین! یک مدیر مالی قوی می‌تواند همه‌ی حوزه‌ها را نظارت کند. من خودم از بایگانی شروع کردم و به جایگاه عضو هیات عامل رسیدم. مدیرعامل هم بوده‌ام. ولی تا زمانی که عضو هیات عامل نبودم آن قدر اختیار نداشتم. اگر مدیر مالی در هیات مدیره قرار بگیرد آن قدر تحت نفوذ مدیرعامل نخواهد بود و اختیار بیشتری خواهد داشت. به همین دلیل هم عموماً در شرکت‌های بزرگ CFO ها حتماً director یا عضو هیات مدیره هستند. در کمیته‌ی سمینارهای انجمن در ارتباط با سمینار پیش رو در جلسه‌ی اول من سوالی کردم که CFO یعنی چی؟ به نظر من اگر همین الان بگویید منظورمان از CFO یعنی certified financial officer خودتان را نجات داده‌اید! ولی اگر بگویید chief financial officer گیر کرده‌اید. من هم معتقدم اندازه‌ی شرکت است که در حقیقت می‌گوید عنوان مسئول حسابداری

و مالی چه باشد.

بستانیان: شرکت‌هایی هستند که یک حسابدار ارشد دارند. بعضی از شرکت‌ها هم که بزرگ‌تر هستند یک مدیر مالی هم دارند. در واقع، او است که حسابدار ارشد است. در بیش‌تر شرکت‌ها CFO همان کسی است که مدیر مالی شرکت است. این مقام کارهای تامین مالی را هم خودش انجام می‌دهد. یعنی ما کمتر ساختاری داریم که یک حسابداری داشته باشد و یک finance هم داشته باشد.

جمشیدی فرد: من از جهت طبقه‌بندی با آقای میراسکندری موافقم. در ایران نقش مدیران عامل برای این مقام‌ها خیلی موثر است. به هر حال مدیران اجرایی صلاحیت‌های تخصصی‌شان تعریف ندارد. یعنی ما به تعبیری خیلی جلوتر از مدیران عامل هستیم. ولی دید ما این است که به هر حال هر کسی نمی‌تواند مدیر مالی باشد. نتیجه‌ای که می‌خواهم بگیرم این است که ما باید از طریق گواهی‌نامه یا نشان حرفه‌ای کمک کنیم که هم آگاهی‌رسانی به مدیران اجرایی ارشد داشته باشیم و هم نظارت بر مدیران مالی داشته باشیم. در این جا می‌شود به چند نکته هم اشاره کرد. یکی این که صلاحیت‌ها قانونی است. خب قانون تجارت هیات مدیره را تعریف کرده است. در بخش هیات مدیره‌ی موظف ممکن است عضو مالی هم باشد. ولی تعریف مشخصی در قانون تجارت ندارد. این جا جایی است که می‌شود از ضوابط راهبری شرکتی که در سازمان بورس و اوراق بهادار در حال تصویب است به نفع حرفه استفاده کرد. چرا که آن جا این امکان برای ما فراهم است که، وقتی می‌گوید عضو مالی هیات مدیره، بشود ضوابطی برای آن تعریف کرد.

در ارتباط با نقش مدیران مالی در تامین مالی هم این نکته را باید بگوییم که در ایران تامین مالی شرکت‌ها را خیلی مواقع مدیران مالی انجام نمی‌دهند. بلکه مثلاً از نفوذ سهامداران عمده و اعضای هیات مدیره بهره‌مند می‌شوند. یعنی اگر شرکتی خوب تامین مالی می‌کند الزماً به معنای توانایی مدیر مالی آن شرکت نیست.

مسگریان حقیقی: این جا یک سوالی که پیش می‌آید این است که اگر شرکتی عضو مالی هیات مدیره داشته باشد و مدیر مالی هم داشته باشد، به کدام یک

CFO می‌گوییم؟

پوربانسب: از دید بنده مشخص است financial director یک عضو هیات مدیره است که نقش نظارتی دارد. در حالی که financial officer وظیفه‌ی اجرایی دارد. اگر این مسئول مالی در عین حال عضو هیات مدیره هم باشد هر دو نقش را ایفا می‌کند. یعنی هم ناظر است هم منظور. در نظام‌های راهبردی شرکتی مدرن این دو نقش را هم‌زمان به مدیر مالی ارشد (CFO) نمی‌دهند.

جمشیدی فرد: حق با آقای پوربانسب است. این در حالی است که عضو هیات مدیره باشد. مثلاً در خیلی از بانک‌ها مقام مالی عضو هیات مدیره ندارند. در مورد سوال شما بحث حقوقی پیش می‌آید. به نظرم بالاترین مقام اجرایی CFO است.

صیدی: اعتقاد من این است که اگر درگیر واژه‌ها نباشیم، تعبیری که CFO در ایران دارد بالاترین مقام امور مالی است که تعبیر درستی هم است. ضمن این که کاراکتر مدیرعامل و خود شخص هم مهم است. CFO یک جاهایی حتی قائم مقام مدیرعامل می‌شود. در بعضی بانک‌ها عضو ناظر مالی داریم که کار اجرایی هم می‌کند. در کل دنیا مفاهیمی مثل مدیریت ریسک و ... در یک طیفی اجرا می‌شود و صد درصد نمی‌شود گفت حقیقی است. بلکه اقتضایی است.

سازمان‌ها به سمتی دارند می‌روند که ما حتی بعضی جاها معاونت مالی اداری نداریم. پس تعریف من این است که بالاترین مقام اجرایی مالی می‌تواند اسم‌اش مدیر مالی، معاون مالی، یا حتی قائم مقام مدیرعامل در امور مالی، یا عضو موظف مالی هیات مدیره و .. باشد. در واقع، این عنوان‌ها بستگی به این دارد که این وظایفی که شرح دادیم را چه کسی دارد مدیریت می‌کند.

قاسمی: استنباط من از بحث‌های اخیر این است که در اعطای گواهی‌نامه‌ی مدیر مالی خبره از سطح financial manager فراتر نمی‌شود رفت. در واقع، خیلی بر روی مباحث finance نمی‌توانیم تمرکز و تاکید کنیم. به هر حال، همه می‌دانیم که زمینه‌ی تخصصی انجمن رشته و حرفه‌ی "حسابداری" است که با finance متفاوت است. در واقع، انجمن می‌تواند خبرگی مدیران مالی را از نظر financial management گواهی کند.

پوربانسب: همان‌طور که گفتم حسابداری و تامین مالی یا finance دو رشته‌ی متفاوت هستند. مسئول حسابداری مالی از حسابداری می‌آید و سوابق شغلی حسابداری دارد. یک دانش‌آموخته‌ی تامین مالی نمی‌تواند این شغل را احراز کند. مگر در حسابداری کار کرده باشد و دوره‌های حسابداری را بیش از آن چه در تامین مالی خوانده است گذرانده باشد. ضرورتی ندارد مدیر مالی همه‌ی مواد رشته‌ی تامین مالی را آزمون دهد. دروس حسابداری به گونه‌ای طراحی شده‌اند که دانش‌آموختگان حسابداری می‌توانند به مدد آن و کسب تجربه به مقام مسئول مالی و حسابداری سازمانی برسند. الان هم این‌گونه است. دانش‌آموختگان تامین مالی یا finance را برای این مقام‌ها استخدام نمی‌کنند. تامین مالی بخشی از وظایف مسئول حسابداری و مالی است که در سازمان‌های کوچک راساً انجام می‌دهد و در سازمان‌های بزرگ از طریق یک مدیر یا کارمند یا دایره که زیر مجموعه‌ی او است انجام می‌دهد.



شرکت داده پردازان نسل آریا
ارائه کننده نرم افزار های مالی و پرسنلی

ترازنگار

TARAZNEGAR

فکری نو، طرح نو، تجربه نو ...

بومی سازی برای نیاز مشتری
مدیریت مشتریان C.R.M
مشاوره و اجرای امور مالیاتی
پخش مویرگی
طراحی نرم افزارهای تحت وب

Taraznegar
Software Group
taraznegar

- حسابداری ساده و پیشرفته
- حقوق و دستمزد با کلیه امکانات
- خرید، فروش و خزانه
- تولید و بهای تمام شده
- پنل پیامک
- حسابداری تحت وب
- گارانتی و پشتیبانی یک ساله
- کاربری آسان برای همه کاربران
- قابلیت بکارگیری در محیطهای شبکه و تک کاربره
- نرم افزارهای کشتیرانی، عکاسی، کارواش و فروشگاه‌های ...

Location Website

خط ویژه: ۸۸۸۴۴۳۲۵
Email: info@taraznegar.ir
www.taraznegar.ir